هُواللّه-ای سلاسه و دودمان حضرت خليل جليل آن نور مبين حضرت ابراهيم دعا در حق ذريّه خويش فرمود.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# هُواللّه

ای سلاسه و دودمان حضرت خليل [[1]](#footnote-1)جليل آن نور مبين حضرت ابراهيم دعا در حق ذريّه خويش فرمود. که ای خداوند مهربان سلاسه مرا عزيز بگردان و پيشوايان عالميان کن در درگه يزدان اين دعا مقرون بقبول گرديد. اين بود که ارض کنعان بحشمت و ديانت يعقوب مسرت قلوب شد و معمور بمواهب ربّ ودود گشت. و حضرت ماه کنعان هر چند در بدايت در چاه حسودان افتاد و بِدَراهِم معدود از شر حسود فروخته گشت و در زندان بيگانگان افتاد. ولی در نهايت باوج ماه رسيد و ملجاء و پناه برادران ستمکار گرديد.

و حضرت کليم در وادی رحمانی شعله نورانی بر افروخت و در قلّه طور لمعه نور روشن کرد. و حضرت داود سلطنت وجود تأسيس نمود. و حضرت سليمان حشمت بی پايان بنا نهاد و حضرت روح بنفحه مسيحائی جهان را معطر کرد. و حضرت رسول آفاق يثرب و بطحا را روشن کرد. و حضرت اعلی روحی له الفداء جهان را جهان تازه و نفحه حيات در هيکل کائنات دميد تا باين دور اعظم رسيد صبح رحمانيت دميد و فجر احديت روشن گرديد و شمس حقيقت درخشيد.

خلق جديد پديد شد و فصل ربيع کور بديع رسيد نسائم بهاری وزيد سحاب رحمت فيض عظيم بخشيد و باران شديد کرد شمس حقيقت آفتاب ملکوت چنان پرتو و حرارتی افاضه کرد که جميع اشياء بخلعت جديد و بحلل بديع جلوه نمود. يوم سرور آمد و حشر و نشور شد خيمه الهی بلند شد و سرير رحمانی مستقر گرديد. جنت ابهی در کمال عظمت در جهان خرگاه مرتفع نمود لهذا وقت آن آمد که خداوند مهربان آنچه بحضرت ابراهيم وعده نمود وفا فرمايد و سلاسه و دودمان آن جليل را عزيز فرمايد و در انظار بزرگوار کند. اين است که ايشان را در اين شريعه تقديس داخل فرمود و در ظل شجرهء ميثاق منزل داد و در قصر مشيد منزل عنايت فرمود و در مدينه عهد مأوی داد الحمد للّه روح آن بزرگوار در ملکوت ابها از ايمان و ايقان و ثبوت بر پيمان ابناء و دودمان مسرور و شادمان است و نفوسی که در سبيل الهی در صدمه و مصيبت افتادند و جام بلا نوشيدند آن اشخاص در ساحت مقدس از جواهر وجود معدودند و مظاهر الطاف نا محدود خواهند گشت ع ع



1. کاشان ابناء خلیل علیهم بهآءاللّه الابهی [↑](#footnote-ref-1)